

درس هفتم

فعالیت ۱ (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

به پنج گروه تقسیم شوید و هر گروه با استفاده از مجموعه قصه‌های شاهنامه، یکی از داستان‌های زیر را خلاصه و گزارش آن را در کلاس بخوانید و بگویید هر یک از این داستان‌ها، متعلق به کدام یک از دوره‌های نمودار بالا است.

۱- داستان جمشید، ۲- داستان ضحاک ماردوش؛ ۳- داستان کاوه آهنگر؛ ۴- داستان سیاوش؛ ۵- داستان رستم و سهراب

داستان کاوه آهنگر:

ضحاک پادشاه تازی انسانی ناپاک بود. او برای این که دو ماری که بر شانه اش روییده بودند را سیر نگهدارد، هر روز مغز دو انسان را به آنها می داد. او شبی در خواب دید که پسر جوانی با گرز بر سر او می کوبد. یک پیشگو به او گفت این پسر فریدون نام دارد. ضحاک هرچه به دنبال فریدون گشت او را پیدا نکرد. بنابراین به راه حلی فکر کرد. راه حلش این بود که گواهی‌ای بنویسد و همه بزرگان آن را امضا کنند. براساس این گواهی ضحاک به جز نیکی کاری نکرده است و حرفی جز به راستی نکرده است. همه بزرگان به ناچار این گواهی را امضا کردند. اما ناگهان صدای داد و فریاد کسی از بیرون به گوش رسید. وی کاوه آهنگر نام داشت که درفش کاویانی او در تاریخ مشهور است. ضحاک دستور داد کسی که داد و فریاد می کرد را به داخل بیاورند. وقتی آن مرد به داخل کاخ آمد، دو دستش را بر سرش کوبید و فریاد زد: "منم کاوه که عدالت می خواهم. اگر تو عادلی به فرزند من رحم کن. من ۱۸ پسر داشتم که تنها یکی از آنها باقی مانده است. مغز آخرین پسر من هم قرار است غذای ماران تو شود. من یک آهنگر بی آرام. جوانی من به پایان رسیده و اگر این پسر را بکشی فرزندی هم برایم باقی نمی ماند. اگر تو پادشاه هفت کشوری چرا رنج و سختی را ما باید بکشیم. ای پادشاه ستم هم اندازه‌ای دارد. چرا ماران دوش تو باید از مغز سر فرزند من غذا داده شوند؟"

ضحاک که تا به حال چنین حرف‌هایی نشنیده بود تعجب کرد و دستور داد فرزند کاوه را به او بازگرداند. بعد از کاوه خواست که گواهی را امضا کند. کاوه نوشته را خواند و بدون این که بترسد فریاد زد: "همه تان دارید به سوی جهنم می روید که به گفته‌های ضحاک گوش می دهید. من این گواهی را امضا نمی کنم". بعد در حالی که از خشم می لرزید با فرزندش از کاخ بیرون رفت. وقتی او رفت بزرگان به ضحاک گفتند: "چرا مقابل کاوه سرخ شدی و اجازه دادی پیمان را پاره کند و از فرمان تو سرپیچی کند؟" ضحاک گفت: "وقتی او به داخل آمد و دستانش را بر سرش زد من شگفت زده شدم. حالا نمی دانم از این ببعد چه پیش می آید که راز جهان را نمی دانم". وقتی کاوه از کاخ بیرون رفت، شروع به فریاد زدن کرد و دنیا را به عدالت فرا خواند. بعد چرمی را که آهنگران می پوشند بر سر نیزه کرد و با همان نیزه خروشان رفت و فریاد زد: "چه کسی می آید که فریدون را پیدا کنیم و به او بگوییم که پادشاه ما شیطان است". به اندازه یک سپاه آدم دور او جمع شد. خود کاوه فهمید که فریدون کجاست. رفتند و فریدون را پیدا کردند. فریدون وقتی چرم را بالای نیزه دید آن را به فال نیک گرفت و آن را با جواهر و طلا و دیبای روم آراست به طوری که رنگ‌های سرخ و زرد و بنفش گرفت و آن را "درفش کاویانی" نامید. از آن ببعد هم هر کسی که تاج پادشاهی را بر سر می گذاشت، به آن چرم بی بهای آهنگری جواهرات جدیدی اضافه می کرد. به این ترتیب درفش کاویان مثل خورشیدی در شب‌های تیره می درخشید و همه از آن امید می گرفتند. به هرحال فریدون چون وضع را به این گونه دید فهمید که کار ضحاک تمام است و با سپاهش برای جنگ با ضحاک به سرزمین تازیان رفت. فریدون کاوه آهنگر را فرمانده سپاه کرد و درفش کاویانی افرشته شد تا سپاه فریدون ضحاک را شکست دادند و او را مجازات سختی کردند.

داستان سیاوش:

سیاوش از ازدواج زنی از سلاله گرسیوز با کیکاووس زاده شد. از آنجا که دربار، جایی مناسب برای پرورش سیاوش نبود؛ کیکاووس، سیاوش را به رستم سپرد تا وی را پرورد و بیاموزد. رستم، در زابلستان، سیاوش را آیین سپاه‌راندن و کشورداری آموخت و برخی از شایسته‌ترین ویژگی‌های خود را به وی منتقل ساخت. چون سیاوش از زابلستان به کاخ پدر بازآمد، کاووس وی را نواخت و به شادی آمدن فرزند جشنی برپا کرد. سیاوش خوش‌چهره - چنان که همه از زیبایی وی هم‌چون یوسف، حیرانند - از سویی دیگر، روحیات اخلاقی نیک از جمله پاکدامنی و شرم نیز از ویژگی‌های بارز وی است. سودابه دختر شاه‌هاماوران و همسر کیکاووس، پس از بازگشت سیاوش و دیدن او شیفته سیاوش شد. چنان‌که در نهان، یکی به سوی سیاوش فرستاد و او را به شبستان شاهی فراخواند اما سیاوش نپذیرفت. روزی دیگر، سودابه نزد کیکاووس رفت و از وی دستوری خواست که سیاوش را به شبستان بفرستد تا وی از میان دختران همسری برای خود برگزیند. سیاوش نیز به ناچار و برای اطاعت از دستور پدر به شبستان رفت. در بار سوم؛ سودابه، سیاوش را به نزد خویش فراخواند و خود را به وی عرضه کرد اما سیاوش برآشفت و به تلخی از آنجا برخاست. سودابه نیز کاووس را باخبر کرد و سیاوش را متهم ساخت. کاووس پس از شنیدن حرف‌های سودابه، در این اندیشه بود که سیاوش را به کیفر گناه بکشد اما برای آزمایش، نخست جامه و دست سودابه را بویید و در آن بوی مُشک و گلاب و شراب یافت و در دست‌وبر سیاوش، بویی به مشامش نرسید. پس دانست که سودابه به ناراستی سخن گفته است و پسرش سیاوش بی‌گناه است؛ هنگامی که کیکاووس به ناراستی سخنان سودابه پی برد، خواست که وی را بکشد اما از ترس کین خواهی شاه‌هاماوران و مشورت موبدان، آتشی برپا کرد تا به این روش، گناهکار را از بی‌گناه جدا سازد. سیاوش شخصیتی است که اهل سازش است و یکسره از خشونت دوری می‌کند. با اینکه کاووس می‌داند که سودابه گناهکار است اما با این‌حال بر رأی موبدان و انتخاب خود سیاوش، گذشتن از آتش را برای آزمون راستی می‌پذیرد اما سودابه از آزمون سرمی‌پیچد. سیاوش پس از دلداری دادن پدر، کفن‌پوشان با اسبش به میانه آتش رفته و تندرست از آن سوی بیرون می‌آید. پس چون بی‌گناهی سیاوش بر شاه آشکار شد، شاه خواست که سودابه را بکشد اما سیاوش میانجی‌گری کرد و از این کار جلوگیری کرد و خواهان بخشش او از سوی شاه شد و کیکاووس نیز سودابه را بخشید و از گناه او چشم پوشید.

فعالیت ۲ (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه درباره زندگی‌نامه، آثار و خدمات علمی برجسته باستان‌شناسان زیر اطلاعاتی را در قالب پاورپوینت گردآوری و به کلاس ارائه نمایید.

۱- عزت‌الله نگهبان ۲- عیسی بهنام ۳- علی سامی ۴- یوسف مجید زاده ۵- صادق ملک شه میرزادی.

۱- عزت‌الله نگهبان

در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دبستان جمشید جم و دبیرستان فیروز بهرام و مدرسه فنی آلمانی در تهران به پایان برد. او در سال ۱۳۲۸ در رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۲۹، وارد مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو شد و در مدت چهارسال مدرک فوق لیسانس این دانشکده را از آن خود کرد. طی این سال‌ها با راهنمایی رونالد مک‌کان به بررسی سیر سفال نخودی‌رنگ در منطقه خوزستان پرداخت و اطلاعات بسیاری در این زمینه جمع‌آوری کرد که حاصل آن را در نهایت در رساله خود تدوین کرد. مهم‌ترین سهم وی در پیشبرد باستان‌شناسی ایران، ایجاد کارگاه دائمی در دشت قزوین برای فعالیت‌های باستان‌شناختی دانشگاه تهران و تربیت دانشجو در این کارگاه است. او با پشتکار فراوان

و روحیه خستگی‌ناپذیر، موفق به کسب مجوز و بودجه لازم برای تعمیر کاروانسرای مخروبه محمدآباد خره شد. این مکان منحصر به فرد به کانونی برای پژوهش‌های مستمر و درازمدت باستان‌شناختی دانشگاه تهران تبدیل شد که در آن دانشجویان با شرکت در انواع فعالیت‌های میدانی برای پیشبرد اهداف باستان‌شناسی در ایران تربیت می‌شدند. دکتر نگهبان، یکی از سرسخت‌ترین مدافعان منظم‌کردن فعالیت‌های مربوط به باستان‌شناسی بوده‌است. بسیاری او را دشمن بزرگ قاچاقچیان و دلالان عتیقه در ایران می‌دانند. نگهبان در پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران در سال ۱۳۴۷، مقاله‌ای ارائه داد و در آن ماده‌ای پیشنهاد کرد که بر اساس آن خرید و فروش اشیای باستانی به صورت غیرمجاز و از طریق قاچاق ممنوع اعلام شود و کنگره را ملزم به صدور قانونی در این زمینه کرد. وی با ارائه این مقاله، نقش اساسی در تصویب قطعنامه محکوم‌کردن قاچاق و فروش اشیای عتیقه داشت. عزت‌الله نگهبان، بیشترین میزان طلا را در حفاری‌های باستان‌شناسی ایران بدست آورده‌است و کاوش‌های وی در قالب مقاله، گزارش و کتاب، همواره مورد توجه باستان‌شناسان بوده‌است. فعالیت‌های باستان‌شناسی دکتر نگهبان باعث شده‌است تا به وی لقب پدر باستان‌شناسی ایران داده شود. عزت‌الله نگهبان در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ پس از مدتها بیماری در آمریکا درگذشت.

۲- عیسی بهنام

عیسی بهنام (۱۲۸۵ تهران- ۹ آذر ۱۳۶۳ تهران) از بنیانگذاران رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از پایه‌گذاران موزه مردم‌شناسی تهران و از چهره‌های جهانی در باستان‌شناسی و هنر ایران بود. «وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آلیانس و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان‌های تهران به پایان رسانید و دیپلم خود را در رشته ادبی به پایان رساند.» در سال ۱۳۰۸ ش، در نخستین گروه دانشجویان رشته باستان‌شناسی به فرانسه اعزام شد و در مدت هشت سال اقامت خود در فرانسه، دوره تحصیلی مدرسه لوور را در باستان‌شناسی پیش از تاریخ به پایان برد و به اخذ درجه لیسانس از دانشکده ادبیات در همین رشته و درجه دیپلم از مؤسسه هنر و باستان‌شناسی توفیق یافت. در سال ۱۳۱۶ ش، وزارت فرهنگ او را برای افتتاح موزه ایران باستان به ایران فراخواند و بدین جهت بهنام نتوانست رساله دکتری خود را به پایان رساند.

او در ۱۳۱۸ ش، به همراه علی سامی، مأمور کاوش در تخت جمشید شد، و از همین سال تا ۱۳۲۵ ش، موزه‌دار ایران باستان بود. در ۱۳۱۹ ش، به خدمت وزارت فرهنگ در آمد و به جای اریخ اشمیت، ریاست هیئت علمی و گروه پژوهشی تخت جمشید را بر عهده گرفت. در ۱۳۲۰ ش، به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و رشته باستان‌شناسی را پایه گذاری کرد. وی چندی نیز منشی‌گری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را بر عهده داشت. «او افزون بر استادی دانشگاه، در شورای موزه های ایران، پُرکار و در کنگره مردم شناسی در پاریس سخنگو بود. همچنین او نماینده ایران برای بردن اشیا وابسته به نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در پاریس بود. از دیگر کارکردهای دلسوزانه او، میتوان از نمایندگی ایران برای برپایی نمایشگاه نقاشی در مسکو و لنینگراد و پایه گذاری موزه مردم شناسی در ایران نام برد.» در سال ۱۳۳۳ ش، با اخذ درجه معادل دکتری از شورای دانشگاه تهران، به دانشیاری دانشکده ادبیات و پس از آن به استادی ارتقا یافت. وی ۲۳ سال در دانشگاه تدریس کرد، «عیسی بهنام چندین روز پس از مرگ همسرش، در روز آدینه ۹ آذر ماه سال ۱۳۶۳ خورشیدی درگذشت.

۳- علی سامی

علی سامی (زاده ۱۲۸۹ ش در شیراز - مرگ ۲۲ مرداد ۱۳۶۸) نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، باستان‌شناس و رئیس مؤسسه باستان‌شناسی تخت جمشید بود. مرمت آرامگاه کورش بزرگ در سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی وی انجام شد. وی فرزند آقابزرگ از شاعران و نقاشان کازرونی است. علی سامی پس از تحصیل ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۸ ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به عنوان دبیر تاریخ و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه و تصدی دانشسرای

مقدماتی ارتقا یافت. پس از آن در رشته ادبیات و باستان‌شناسی و تاریخ مشغول تحقیق شد و در این رشته از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد، سپس وارد وزارت فرهنگ شد و از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیه تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه پارس و آرامگاه خواجه کرمانی و مسجد جامع عتیق مرمت شدند. سپس به ریاست بنگاه علمی و حفاری تخت جمشید و بعد به سمت ریاست اداره باستان‌شناسی فارس منصوب شد. از اشیای کشف‌شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی. وی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

* آثار تاریخی جلگه مرودشت

* پارس در عهد باستان

* پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (۱۳۳۰)، این کتاب بعدها در سال ۱۳۷۵ تحت نام پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کورش هخامنشی «ذوالقرنین» از سوی بنیاد فارس‌شناسی به چاپ رسیده که در این کتاب یافته‌های باستان‌شناسی درباره پاسارگاد را شرح داده‌است.

* تمدن هخامنشی (جلد ۳)

* تمدن ساسانی (جلد ۲)

* شیراز شهر جاویدان

* نقش ایران در فرهنگ اسلامی

* مقام دانش در ایران باستان

* روزها و یادها

۴- یوسف مجیدزاده

یوسف مجیدزاده (زاده ۱۳۱۵ در تبریز) باستان‌شناس ایرانی است او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاهش به اتمام رساند. در دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی تحصیل کرد و پس از کسب مدرک لیسانس با رتبه اول در سال ۱۳۴۱ در سال ۱۳۴۴ با استفاده از بورس شاگرد اول‌ها به شیکاگو رفت و پایه فوق لیسانس و سپس دکترا را با رساله «باستان‌شناسی و گرایش پیش از تاریخ و تمدن بین‌النهرین» تا سال ۱۳۵۵ گذراند. او در همان سال به ایران برگشت و با عنوان استادیار در گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران مشغول تدریس شد و در سال ۱۳۵۶ به درجه دانش یاری رسید. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت سه سال به سمت مدیریت گروه «باستان‌شناسی و تاریخ هنر» و عضو شورای انتخابات و ترفیعات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد. دکتر مجیدزاده در سال ۱۳۶۷ خورشیدی بازنشسته شد. او از سال ۱۳۶۶ عضو شورای علمی «مجله باستان‌شناسی و تاریخ» مرکز نشر دانشگاهی است. یوسف مجیدزاده پس از بازنشستگی در پاریس زندگی می‌کرد و با دعوت مسئولین سازمان‌های مختلف از جمله سازمان میراث فرهنگی در اوایل دهه ۱۳۸۰ به ایران بازگشت تا ریاست عملیات حفاری و کاوشگری بسیار پیچیده منطقه باستانی تمدن جیرفت را به دست گیرد. او معتقد است که جیرفت «حلقه گم شده» تاریخ بشریت محسوب می‌شود.

۵- صادق ملک شه میرزادی

صادق ملک شه میرزادی در سال ۱۳۲۲ شمسی در شه میرزاد بدنیا آمد یکی از باستان‌شناسان و کاوشگران به نام است که در کاوش‌های تپه سیلک نقش مهمی را ایفا کرد و مدیریت آن را برعهده داشت.

صادق ملک شه میرزادی تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در رشته باستان شناسی در تهران به انجام رساند. وی با عزیمت به آمریکا موفق به اخذ فوق لیسانس در گرایش باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین از موسسه شرق‌شناسی شیکاگو شد و دکترای انسان‌شناسی خود را نیز با گرایش پیش از تاریخ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد وی علاوه بر شرکت و سرپرستی کاوش‌های میدانی از جمله تپه سیلک، تالیفات متعددی نیز عرضه کرده‌است. در مدت سی سال خدمت آموزشی در گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، تدریس دروس کاوش در محل، طبقه‌بندی سفال و اشیاء، طراحی فنی و نقشه‌برداری و عکاسی، بررسی آثار باستانی، سمینار و ترتیب نمایشگاه، تهیه گزارش مشروح، باستان شناسی و هنر مصر باستان، آشنایی با باستان شناسی، مبانی باستان شناسی فرهنگی، باستان شناسی پیش از تاریخ بین النهرین، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران، باستان شناسی آسیای غربی و مصر (این واحد درسی را در دانشگاه‌های خارج از کشور ارائه کردند)، باستان و فرهنگ ایران باستان (این عنوان درسی رادر دانشگاه هلسینکی ارائه کردند).

فعالیت ۳ (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

نمودار صفحه ۶۲ را با نمودار بالا مقایسه و تفاوت‌های آنها را بیان کنید.

منابع تحقیق تاریخ ایران در دوران باستان در درس اول خواندید که منابع تحقیق تاریخ به دو دسته منابع دست اول یا اصلی و منابع دست دوم یا فرعی تقسیم می‌شوند.

نمودار صفحه ۶۲ در کل فقط ۴ دوره برای ایران باستان قائل بود. ولی نمودار صفحه ۶۵، دوران تاریخی و پیش از تاریخ را بیان می‌کند و تقسیم‌بندی دوران تاریخی به دو گروه حکومت آریاییان و پیش آریایی نشان می‌دهد که هر یک به گروه‌هایی تقسیم شده‌اند. هرچه از دوره ساسانی به دوران پیش از تاریخ نزدیک شومی اطلاعات تاریخی کمتر می‌شود. در قرن‌های گذشته که باستان شناسی صورت نمی‌گرفت، دوران اولیه تاریخ ایران تا دوره اشکانیان مبهم بود و به اسم‌های پیشدادی و کیانی شناخته می‌شد و بیشتر به صورت اسطوره بیان می‌شد؛ ولی با یافته‌های باستان شناسی، سلسله‌های ماد و هخامنشی جای پیشدادیان و کیانیان را گرفتند و تاریخ از حالت افسانه و اسطوره خارج شد.

فعالیت ۴ (صفحه ۶۶ کتاب درسی)

الف- به نظر شما چرا آثار و اشیای متعلق به دوران پیش از تاریخ، نقشی کلیدی در شناخت این دوره دارند؟ در دوران پیش از تاریخ به دلیل عدم اختراع خط، اطلاعات مستند و جامعی موجود نمی‌باشد به همین دلیل آثار و اشیای متعلق به آن دوران تنها مستندات و مدارک شناخت دوران پیش از تاریخ می‌باشند.

ب- به تصویر آثار و بناهای بالا به دقت نگاه کنید و با راهنمایی دبیر خود بگویید این آثار و بناها، حاوی چه اطلاعاتی درباره گذشته هستند؟

اطلاعاتی در مورد وضعیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خلاقیت‌های انسان در دوره باستان، نحوه زندگی اجتماعی، جایگاه شخص شاه، دانش، فنون، مهارت‌ها و... هستند.

پ- اشیاء و ابزارهای باستانی چه اطلاعاتی درباره سازندگان و استفاده کنندگان این آثار در اختیار محققان قرار می‌دهند؟ اطلاعاتی در رابطه با علوم و فنون گذشته برای ساخت وسایل و نشان دهنده آداب و رسوم و اعتقادات با توجه به نقاشی‌های روی ظرف و نوع نیاز متداول آن دوره می‌باشد.

فعالیت ۵ (صفحه ۶۷ کتاب درسی)

با توجه به روابطی که میان ایران با یونان و روم در دوران باستان وجود داشته است، استدلال کنید که چرا یک مؤرخ و محقق نباید تمام نوشته‌های مؤرخان یونانی و رومی درباره ایران را بی چون و چرا بپذیرد؟

زیرا همواره بین امپراتوری‌های یونان و روم با ایران رقابت‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی وجود داشت و گاهی این رقابت‌ها منجر به جنگ می‌شد. مورخان یونانی و رومی همواره تحت تأثیر این رقابت‌ها و جنگ‌ها نوشته‌های یک جانبه‌ای به جای گزارده‌اند که اصل بی‌طرفی و صداقت در آن رعایت نمی‌شد. از این رو نمی‌توان تمامی نوشته‌های آنان در مورد ایران را بی‌چون و چرا پذیرفت.

فعالیت ۶ (صفحه ۶۹ کتاب درسی)

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه پنج منبع دست دوم یکی از دوران‌های زیر را شناسایی و در چند سطر معرفی نمایید:

الف- دوران پیش از تاریخ ایران؛ ایران از آغاز اسلام (رومن گیرشمن) - تاریخ ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم- تاریخ تمدن و فرهنگ ایران

ب- دوران ایلام و ماد؛ تاریخ ایران باستان (دیاکونف) - تاریخ ایران باستان تا پایان سده ۱۸ (پیگولوسکایا و چند تن دیگر) - تاریخ ایران باستان (پیرنیا) - تاریخ ایران باستان - (دکتر عبدالحسین زرین کوب) تاریخ ایلام (پیرامیه)

پ- دوران هخامنشیان؛ تاریخ سیاسی هخامنشیان (داندامایف) - ایران باستان (بروسیوس) - داریوش و ایران (هینتس) - تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (دکتر خنجی)

ت- دوران اشکانیان؛ تاریخ ایران (دکتر خنجی) - تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز (گرانتوسکی) - تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸ (پیگولوسکایا) - تاریخ اشکانیان (میخایل میخائلوویچ) - تاریخ اجتماعی ایران (مرتضی راوندی)

ث- دوران ساسانیان؛ شاهنشاهی ساسانی (دریایی) - تاریخ ساسانیان (زریاب) - تاریخ ده هزار ساله ایران (رضایی)

شفیعی

پرسش‌های نمونه (صفحه ۶۹ کتاب درسی)

- ۱- ایرانیان تا دویست سال پیش چه درکی از تاریخ دوره باستان خود داشتند؟
اطلاعات ایرانیان محدود به ترجمه خدای‌نامه‌های دوره ساسانی و داستان‌های شاهنامه بود و از سلسله‌های ایلام، ماد و هخامنشیان اطلاع نداشتند. به طور کلی اطلاعات ایرانیان در مورد تاریخ باستان بسیار گسترده نبود. عموم مورخان تا ۲۰۰ سال پیش، در میان سلسله‌های حکومتی ایارن باستان، تنها از تاریخ ساسانیان اطلاع و شناخت نسبتاً خوبی داشتند و سلسله و شاهان اشکانی را تا حدودی می‌شناختند، اما چندان شناختی از سلسله‌های ایلام، ماد و هخامنشیان نداشتند و پادشاهان بزرگی چون کوروش و داریوش هخامنشی را به درستی نمی‌شناختند.
- ۲- چه عواملی شناخت تاریخی نسبت به ایران باستان را در دو قرن اخیر متحول کرده است؟
کاوش‌های باستان‌شناسی توسط باستان‌شناسان خارجی و ایرانی، خواندن سنگ‌نوشته‌های گوناگون در مناطق باستانی، کشف و خواندن لوح‌های گلی
- ۳- سه مورد از نتایج و دستاوردهای کاوش‌ها و تحقیقات جدید را درباره تاریخ ایران در عصر باستان توضیح دهید.
شناسایی سلسله‌های ماد و هخامنشی و قبل آن، آگاهی از تمدن نسبتاً پیشرفته در فلات ایران، تشخیص تاریخ واقعی از تاریخ افسانه‌ای و تقسیم بندی جدید تاریخ ایران پس از یافته‌های باستان‌شناسی
- ۴- پنج مورد از منابع غیرنوشتاری تاریخ ایران در دوران پیش از اسلام را نام ببرید.
این دسته از منابع، شامل تمامی آثار مادی و دست‌ساخته‌هایی می‌شود که از ایرانیان باستان به جای مانده است. ابزارها، ظروف، اشیا و بقایای بناهای مختلف مانند کاخ‌ها، آتشکده‌ها، پل‌ها، آب‌بندها، کاروانسراها و...
- ۵- وضعیت تاریخ نگاری ایرانیان در دوران باستان را بررسی و تحلیل کنید.
اگرچه ایرانیان در عصر باستان همچون یونانیان و رومیان در نوشتن کتاب‌های تاریخی موفق نبودند، اما شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که ثبت و ضبط وقایع و حوادث مهم، مورد توجه بوده است و دبیران مخصوصی به کار اشتغال داشته‌اند. بنابراین، در ایران باستان، هر چند وضعیت تاریخ‌نگاری مانند یونان و روم مطلوب نبوده و مورخان بزرگی پا به عرصه نگذاشته‌اند، اما به گفته هرودت، ایرانیان از شعور و آگاهی تاریخی بالایی برخوردار بوده‌اند. شاید یکی از دلایل ضعف تاریخ‌نگاری در آن دوره این باشد که سنت شفاهی، بسیار مقبول‌تر و پسندیده‌تر از سنت کتابت بوده است.

